

لغزشهای مکرر در نقد "ترجمه‌ای مکرر"

ولی همتی

یادداشتی بر

مقاله "لغزشهای ترجمه‌ای مکرر" به قلم آقای عبدالله موقن

مقدمه

چندی پیش مقاله "لغزشهای ترجمه‌ی مکرر" به قلم آقای عبدالله موقن (نگاه‌نو، شماره ۲۱، صفحه ۱۶۶ تا ۱۸۱) را مطالعه کردم. این مقاله نقدی است بر ترجمه *The philosophy of Enlightenment* اثر ارنست کاسیرر (E. Cassirer) که آقای نجف دریابندری آن را از انگلیسی به فارسی برگردانده‌اند.^۱ آقای موقن خود اولین مترجم این اثر - از آلمانی به فارسی - بوده‌اند.^۲ از آنجا که در ترجمه آقای دریابندری لغزشهایی وجود داشته، آقای موقن نمونه‌هایی از ترجمه انگلیسی و نیز برگردان آنها را متذکر شده و با استدلالات فلسفی و کم و بیش فنی و با استناد به متن انگلیسی، ترجمه دوم را رد کرده‌اند. نگارنده در جملات انگلیسی ذکر شده در مقاله پیش گفته و برگردان آنها توسط دو مترجم و نیز در فرایند آن نقد نکاتی قابل بحث تشخیص داده‌است که در طی مقاله‌ای بدان می‌پردازد.

ترتیب کار بدین گونه است که جملات انگلیسی قابل بحث را دوباره در مقاله می‌آوریم و بعد از توضیح نکات بحث‌انگیز، بارویکردی فنی دو ترجمه ارائه شده را به ترتیب بررسی می‌کنیم و لغزشهای ساختاری هریک را در پایان هر قسمت نشان می‌دهیم.

لازم به تذکر است که نگارنده هیچ‌گونه تخصص و یا حتی مطالعه‌ای در زمینه علم فلسفه ندارد و تنها بارویکردی فنی - تجزیه و تحلیل ساختار جملات انگلیسی - به نقد دو ترجمه ارائه شده پرداخته است. در سرتاسر مقاله از تکرار نام آقایان موقن و دریابندری خودداری شده، و از آنها به ترتیب با «م» و «د» یاد خواهد شد.

I

Here, where we are no longer dealing with concepts of our own making whose form and structure we can prescribe and which we can derive from one another by deduction, the clarity which is present while comparing mere ideas abandons us; here we can never go beyond the realm of the probable. ... We must increase and sharpen our observation. (P.78)

نویسنده عبارت را با قید Here آغاز کرده‌است. برای این که مرجع Here را به ما متذکر شده باشد، به صورت غیر ضروری در بین دو ویرگول اطلاع رسانی می‌کند. این اطلاع رسانی را با توسل به ترنند نوشتاری عبارت موصولی غیر مشخص^۳ که با ضمیر موصولی Where آغاز می‌شود، به انجام می‌رساند. در بین دو ویرگول با یک توازن ساختاری^۵ روبرو هستیم.

....Concepts of our own making | whose form and structure we can prescribe
and
| which we can derive from one another by deduction.

لازم به ذکر است که عبارت بالا یک عبارت استدلالی^۶ است و بین دو جمله کامل در دو طرف نقطه - ویرگول رابطه‌ای معنایی وجود دارد. و در آخر، با یک عبارت استدلالی نتیجه‌گیری می‌شود. بعد از دومین ویرگول، عبارت اصلی^۷ شروع می‌شود که این عبارت خود شامل یک عبارت موصولی مشخص^۸ است. چنانچه این عبارت

موصولی را هم حذف کنیم، هسته اصلی عبارت چنین می‌شود:

Here, ..., the clarity abandons us ;

و بعد از نقطه-ویرگول نیز عبارت اصلی دیگری داریم که با عبارت اصلی گفته شده در بالا دارای رابطه معنایی است:

... ; here we can never go beyond the realm of the probable

و در آخر، عبارت با جمله نتیجه‌گیری^۹ به پایان می‌رسد. پس نمای اصلی عبارت چنین می‌شود:

Here, ... , the clarity ... abandons us ; here we can never go beyond the realm of

the	Argument 1	Argument 2
probable	We must increase and sharpen our observation.	

Conclusion

پس عبارت بین دو ویرگول و نیز عبارت موصولی بعد از the clarity فرعی است. با توجه به جزئیات پیش‌گفته دو ترجمه ارائه شده را بررسی می‌کنیم:

ترجمه «د»:

این جا دیگر سروکار ما با مفاهیم ساخته و پرداخته خودمان است، که صورت و ساختارشان را خودمان می‌توانیم معین کنیم و یکی را از دیگری نتیجه بگیریم، و آن وضوحی که هنگام مقایسه اندیشه‌های صرف وجود دارد از میان می‌رود؛ ... با حقیقت مشاهدات خود را افزایش دهیم و دقیق‌تر سازیم؛ دریابندری، صص ۱۲۴-۱۲۳

آقای «د» فعل اصلی را *are dealing with* گرفته‌اند و جمله را ترجمه کرده‌اند. به فرض این که این عبارت فعلی، فعل اصلی عبارت بوده باشد، نکته قابل ذکر این است که *no longer* الزاماً فعل ما را منفی می‌کند. اما متأسفانه ایشان اشتباهی مضاعف را مرتکب شده‌اند. ضمناً ایشان *by deduction* را اصلاً ترجمه نکرده‌اند. ایشان از همان آغاز جمله، با معادل‌گذاری در زبان فارسی، به صورت تحت‌اللفظی ترجمه کرده و عبارت اصلی را به صورت جمله‌ای مستقل با حرف ربط "و" به عبارت فرعی بین دو ویرگول ربط داده‌اند. یعنی با این کار، جمله بین دو ویرگول را جمله‌ای مستقل از جمله اصلی فرض کرده و آن را با جمله اصلی ربط داده‌اند.

و اما استدلال آقای «م» در رد ترجمه آقای «د»:

جمله "این جا دیگر سروکار ما با مفاهیم ساخته و پرداخته خودمان است" غلط است. زیرا مقصود از "اینجا" قلمرو و امور واقع یا پدیدارهای فیزیکی است، و اینها، برخلاف مفاهیم ریاضی، ساخته ذهن ما نیستند^{۱۰}. ایشان به عوض این که از دیدگاه فنی، ترجمه را نقد کنند با دلیل فلسفی و منطقی ترجمه را رد کرده‌اند. درحالی که می‌توانستند با استناد به عبارت بین دو ویرگول (ه) که بعد از Here آمده، این ترجمه را رد کنند.

ترجمه آقای «م» از این عبارت:

در اینجا دیگر با مفاهیم ساخته ذهن خویش که می‌توانیم فرم و ساخت آنها را تشریح کنیم و آنها را از طریق استنتاج قیاسی از یکدیگر به دست آوریم، سروکار نداریم؛ و وضوحی که به هنگام مقایسه مفاهیم ناب وجود داشت دیگر وجود ندارد، ما می‌باید بر تعداد مشاهدات خود بیفزاییم و آنها را دقیق‌تر کنیم.

ترجمه آقای «م» در ظاهر صحیح است و تا حدود زیادی معنا را انتقال می‌دهد ولی تا حدی غیرمسئولانه است. ایشان در رویارویی با چندین عبارت موصولی، برای جلوگیری از تکرار پیاپی "که" و افعال این عبارات، آنها را در دو جمله مجزا ترجمه کرده و با حرف "و" به یکدیگر مربوط ساخته‌اند. اما هدف اصلی نویسنده از توسل به اینترفند نوشتاری (استفاده از چندین عبارت موصولی) چیز دیگری بوده‌است که در ترجمه آقای «م» نمودی ندارد. نویسنده در عین حال که خواسته بگوید *the clarity ... abandons us*، خواسته‌است در مورد علت این وضع اطلاعاتی به ما بدهد. در ترجمه آقای «م» "سروکار نداشتن" و "وجود نداشتن" در یک توازن معنایی قرار می‌گیرند. در حالی که در متن اصلی "وجود نداشتن...." به خاطر موقعیتی است که نویسنده با قید *Here* از آن یاد می‌کند و در میان دو ویرگول در مورد آن به ما اطلاعات می‌دهد. مترجم برای راحتی کار عبارت بین دو ویرگول را در اول عبارت ترجمه کرده و با آوردن نقطه-ویرگول و حرف ربط "و" عبارت اصلی را آورده‌اند. ایشان چنانچه بعد از نقطه-ویرگول و در اول عبارت اصلی کلمه "پس" را می‌آوردند رابطه معنایی بین دو عبارت قبل و بعد از نقطه-ویرگول حفظ می‌شد.

II

By indefatigable toil he arrived at the laws which describe the form of the planetary orbits and determined the relation between the revolution periods of the individual planets and their respective distances from the sun. (P.10)

ترجمه «د»:

کپلر با تلاش توان فرسا به قوانینی رسید که شکل مدار سیارات را توصیف می‌کنند و تناسب میان مدت گردش هر سیاره به دور خورشید، و فاصله هر کدام را با خورشید، معین می‌سازند.
دریابندری، صص ۴۹-۵۰

و اما دلایل آقای «م» برای رد این ترجمه چیست؟

نخستین جمله عیب و ایرادی ندارد و قانون اول کپلر را بیان می‌کند. اما دو جمله بعدی نامفهوم‌اند. "تناسب میان مدت گردش هر سیاره به دور خورشید" با چه چیزی است؟ معلوم نیست! ساخت دستوری جمله بعد - "و فاصله هر کدام را با خورشید" - می‌رساند که با جمله پیش از خود ارتباطی ندارد. این دو جمله باید به هم متصل شوند تا قانون سوم کپلر را بیان کنند، اما به هیچ وجه به هم وصل شدنی نیستند.^{۱۱}

اگر جملات توجیهی آقای «م» را با دقت مطالعه کنید این نکته دستگیرتان خواهد شد که ایشان به متن انگلیسی و اشتباهات ناشی از عدم توجه به توازن و در نتیجه رسیدن به ترجمه‌های غلط، هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند. بلکه با اشاره به ساخت دستوری جمله ترجمه‌شده (جمله فارسی) و با توسل به دانسته‌های علمی خود، ترجمه «د» را نقد و در نهایت رد کرده‌اند. اما غافل از این که خودشان نیز در نتیجه عدم توجه به نکات پیش‌گفته ترجمه‌های غلط به دست داده‌اند.

ترجمه «م»:

وی با تلاش خستگی‌ناپذیر به قوانینی دست یافت که شکل مدار سیارات را توصیف و رابطه میان زمان گردش هر سیاره به دور خورشید را با فاصله آن تا خورشید تعیین می‌کرد.
موقن، صص ۵۹

همانطور که قبلاً گفتیم، در عبارت انگلیسی یک عبارت موصولی مشخص داریم که با ضمیر موصولی *which* آغاز شده و کلمه *laws* را مشخص می‌کند. در این عبارت موصولی فقط یک فعل *describe* وجود دارد که در زمان حال به کار رفته است. اما متأسفانه چه «د» و چه «م» فعل *determined* را - که در واقع مرجع آن *he* می‌باشد - با گرفتن *laws* به عنوان مرجع آن ترجمه کرده‌اند.

وی ... به قوانینی رسید که شکل مدار سیارات را توصیف و رابطه میان زمان گردش هر سیاره به دور خورشید را با فاصله آن تا خورشید تعیین می‌کرد.

در ترجمه «م» مرجع افعال «توصیف (می‌کرد)» و «تعیین می‌کرد» کلمه «قوانین» (*laws*) فرض شده است، در حالی که مرجع فعلی تعیین می‌کرد (*determined*) ضمیر *he* (یعنی کپلر) می‌باشد. به زمان افعال توجه کنید:

... he arrived at the laws which describe ... and [he] determined ...

چنانچه فعل *determine* همچون *describe* در زمان حال بیان می‌شد، ترجمه «م» درست می‌بود.

III

It seems that the opinion is getting out of hand that taste is a lower form of judgement whereby we can have only confused and dark knowledge. In this sense it will be no great praise to have a taste which is so uncertain and it is scarcely worth striving for. (p.340)

در جمله بالا یک توازن ساختاری - معنایی^{۱۲} وجود دارد:

It will be no great praise to have a taste

It is scarcely worth striving for [a taste]

به عبارت دیگر:

no=scarcely

great praise=worth

to have a taste=striving for [a taste]

ترجمه «د»:

به نظر می‌رسد که این عقیده دارد عنان اختیار را پاره می‌کند که ذوق داور نازلی است و فقط دانش آشفته و تاریکی به ما می‌دهد. به این معنی، داشتن ذوقی که تا این حد نامطمئن باشد جای تعجب نیست، و تلاش برای رسیدن به آن به زحمتش نمی‌ارزد. دریابندری، ص ۴۱۴

متأسفانه آقای «د» در ترجمه این جمله به فارسی بیش از حد مرعوب ساختار انگلیسی شده‌اند. البته در معادل‌گزینی نیز اشتباهاتی داشته‌اند که آقای «م» تا حدی به آنها اشاره کرده‌اند. آقای «د» نه تنها در ترجمه مفهوم این عبارت را منتقل نکرده‌اند، بلکه در فارسی نویسی نیز تحت تأثیر جمله اصلی قرار گرفته‌اند:

به نظر می‌رسد که این عقیده دارد عنان اختیار را پاره می‌کند که ...
 فعل فعل فعل

ترجمه «م»:

به نظر می‌آید که این عقیده غالب می‌شود که ذوق شکل نازلتر قوه دآوری است، و از طریق ذوق تنها می‌توان شناختی آشفته و تیره و تار به دست آورد. اگر معنای ذوق این باشد پس ارزشی ندارد که ذوقی داشته باشیم و یا برای به دست آوردنش تلاش کنیم، ذوقی که این همه نامطمئن است. موقن، ص ۴۵۰

آقای «م» نیز همچون آقای «د» در ترجمه جمله اول این عبارت مرعوب ساختار زبان مبدأ شده‌اند: «به نظر می‌آید که این عقیده غالب می‌شود که ...» هر دو مترجم در ترجمه *in this sense* نیز مکانیکی برخورد کرده‌اند. توضیح این که نویسنده در جمله اول خبری را به ما می‌دهد و سپس با فرض صحت این خبر نتیجه‌گیری می‌کند.

با رجوع به فرهنگ *Oxford Advanced Learner's* درمی‌یابیم که یکی از معادلهای *sense*، *reason* و *purpose* می‌باشد. پس با توجه به جمله پیشین و پسین *in this sense* می‌توانیم آن را به «در این صورت»، «اگر چنین باشد» و یا «به این علت ...» ترجمه کنیم.

چنانچه مبنا را متن انگلیسی فرض کنیم، آقای موقن نه بار معنایی ^{۱۳} *no great praise* را منتقل کرده‌اند و نه بار احساسی *scarcely worth* را. از آنجایی که *scarcely* جمله را منفی می‌کند و نیز با *no* توازن معنایی ^{۱۴} دارد، باید در فرآیند ترجمه نیز این توازن به نحوی منتقل شود. آقای «م» با آوردن معادل «ارزشی ندارد» به جای آن دو بار مسئولیت را از شانه خود برداشته‌اند. باید افزود که عبارت *great praise* دارای بار معنایی بسیار زیادی است، پس باید در ترجمه این عبارت به زبان مقصد به دنبال معادلی شایسته باشیم، معادلی که حداکثر همپوشانی معنایی را با این عبارت داشته‌باشد و بار احساسی آن را منتقل کند. آقای «م» که از ترجمه غلط آقای «د» از عبارت *no great praise* خُرده گرفته‌اند - هر چند ترجمه‌ای غلط به دست نداده‌اند - توانسته‌اند معنای ضمنی (بار معنایی) این عبارت را به زبان مقصد منتقل کنند.

IV

Again it is Tetens who emphatically disputes this doctrine of thought as a mere "transposition of phantasms". "psychologists usually explain poetic creation as a mere analysis and synthesis of ideas which are called in memory after having been acquired through sense perception If such is the case, the poetry too is nothing but a transposition of phantasms and can give rise to no new simple ideas in our consciousness." (p. 128)

در عبارت بالا یک توازن ساختاری وجود دارد:

... emphatically disputes this doctrine of thought as a mere " transposition of phantasms " ...
 1 2 3 4 5

... usually explain poetic creation as a mere analysis and synthesis of ideas ...
 1 2 3 4 5

ترجمه آقای «د»:

این جا هم باز تنس است که به تأکید تمام با این رأی درباره اندیشه مخالفت می‌کند و آن را «جابه‌جا کردن اشباح» می‌نامد. ... روان‌شناسان آفرینش شاعرانه را چنین توضیح می‌دهند که این صرفاً تحلیل و ترکیب انگاره‌هایی است که پس از دریافت شدن به واسطه ادراک حسی به حافظه فراخوانده می‌شوند... اگر چنین باشد، آنگاه شعر هم چیزی نیست جز جابه‌جاشدن اشباح و نمی‌تواند اندیشه‌های تازه و ساده در آگاهی ما پدید آورد.

ایرادهای وارد بر آقای «د» عبارتند از:

الف) عدم ترجمه صحیح فعل Dispute.

ب) نشناختن کاربرد as در جمله اول و نیز نشناختن کاربرد درست آن در عبارت

... this doctrine of thought as mere "transposition of phantasms".

ج) به دست دادن ترجمه‌ای غلط از اولین جمله: این جا هم ... می‌نامد. ...

معلوم نیست ایشان فعل "می‌نامد" را از کجا آورده‌اند و ترجمه کدام فعل انگلیسی در جمله پیش گفته می‌باشد.

د) عدم ترجمه mere در عبارت:

... as a mere "transposition of phantasms".

ترجمه آقای «م»:

باز هم این تنز است که این نظریه را - که اندیشیدن "پس و پیش شدن خیالات" است - شدیداً مورد حمله قرار می‌دهد. ... روان‌شناسان معمولاً آفرینش شعر را به منزله تحلیل و ترکیب محض تصوراتی که از تأثرات حسی حاصل شده‌اند و در حافظه نگاهداری می‌شوند تبیین می‌کنند. ... ولی اگر وضع بدین‌گونه باشد پس شعر نیز چیزی جز پس و پیش شدن خیالات نیست و نمی‌تواند تصورات جدیدی را در آگاهی ما بیافریند. موقن، صص ۲۰۳-۲۰۴

چنانچه مبنای ترجمه آقای «م» را متن انگلیسی فرض کنیم، ایشان نیز mere را در جمله اول و simple را در جمله آخر ترجمه نکرده‌اند. اما مهمترین و اساسی‌ترین ایرادی که بر هر دو مترجم وارد است، عدم ترجمه صحیح فعل dispute می‌باشد، شاید معادل ارائه شده توسط این دو بتواند تاحدی منظور را برساند، اما با دایره معنایی فعل dispute کاملاً همپوشانی ندارد. چنانچه به فرهنگ *Oxford Advanced Learner's* مراجعه کنیم، خواهیم دید که یکی از معانی این فعل چنین است:

dispute: (vt) question the truth of sth. حقیقت چیزی را مورد تردید قرار دادن.

V

This sociability, which is founded in reason, can not be replaced by any arbitrary act or by any mere convention. Accordingly, Grotius rejects any merely utilitarian justification and derivation of the state as well as of law. He too considers the preservation of society as the fundamental task of both these institutions but he adds significantly and characteristically that this protection should be so constituted that it corresponds to the nature of human intellect. "This protection of society, appropriate to the human intellect, is the source of its authority, and is therefore properly referred to by such a name". (P.257)

ترجمه آقای «د»:

مبنای این اجتماعیت عقل است و اقدام بی‌دلیل یا صرف یک پیمان جای آن را نمی‌گیرد. این است که گروتیوس هر نوع توجیه و ریشه‌یابی دولت و قانون را که به صرف ذکر فایده آنها صورت گیرد رد می‌کند. او هم حفظ جامعه را وظیفه اساسی این نهادها می‌داند، ولی اضافه می‌کند که این حمایت باید چنان باشد که با طبیعت تفکر انسانی مطابقت کند. این تذکره حائز اهمیت است و چنان است که از گروتیوس انتظار می‌رود. می‌گوید: این حمایت از جامعه، که مطابق تفکر انسانی باشد، منشأ اقتدار اجتماعی است و لذا شایسته همین نام است. دریابندری، صص ۳۲۳-۳۲۴

در ترجمه آقای «د»، ترجمه عبارت *This sociability, which is founded in reason ...* به عبارت فارسی "مبنای این اجتماعیت عقل است و اقدام بی دلیل یا صرف یک پیمان جای آن را نمی‌گیرد". غلط است. توضیح این که جمله با *This sociability* آغاز شده و در ادامه آن عبارت موصولی قرار گرفته است که به صورت غیر ضرور اطلاع‌رسانی می‌کند. متأسفانه ایشان این عبارت موصولی را در *This sociability* ادغام نموده و مفهومی جدید ساخته و پرداخته‌اند و عوض این که گزاره *... can not be replaced by any* به *This sociability* برگردد، به نهاد ساخته و پرداخته ایشان اشاره دارد. یعنی: "مبنای این اجتماعیت عقل است و اقدام بی دلیل ... جای آن را نمی‌گیرد." از ترجمه فوق چنین استنباط می‌شود که هیچ چیز جای این مبنا را نمی‌گیرد و این غلط است. جمله باید رساننده این معنی باشد که هیچ چیز جای *This sociability* را نمی‌گیرد، نه جای مبنای این *sociability* را. نکته دیگر در مورد مرجع *it* و *its* است. آقای «د» مرجع *it* را صحیح تشخیص داده‌اند، اما در تشخیص مرجع *its* دچار اشتباه فاحشی شده‌اند. به طوری که آن را به اقتدار اجتماعی (*social authority*) تعبیر نموده‌اند و چنین مرجعی در عبارت ما وجود ندارد. مرجع صحیح *its*، *protection of society* می‌باشد.

ترجمه آقای «م»:

نمی‌توان به جای اجتماع‌پذیری که بر خود متکی است، عملی دلخواه یا پیمانی صرف را جایگزین کرد. بنابراین گروسیوس توجیه دولت و قانون و علت وجودی آنها را صرفاً بر مبنای سودمند بودنشان مردود می‌داند. او نیز نگاهبانی از جامعه را وظیفه اساسی دولت و قانون می‌داند. ولی قید می‌کند که حراست جامعه می‌باید چنان صورت گیرد که منطبق با سرشت خرد انسانی باشد. "حراست جامعه منطبق با خرد انسانی، سرچشمه مرجعیت قانون است. بنابراین تکیه بر چنین مرجعیتی سزااست." موقن، ص ۳۵۳

آقای «م» نیز اشتباه آقای «د» را مرتکب شده‌اند. ایشان مرجع *it* را درست تشخیص داده‌اند. اما مرجع *its* را متأسفانه *law* فرض کرده‌اند که البته این غلط است. همانطور که گفته شد مرجع *its*، *protection of society* است.*

پی‌نوشتها

۱- جای دارد تشکر کنم از استاد ارجمندم آقای محمدعلی حمیدرفیعی (دانشگاه یزد) که مقاله مورد بحث - *لغزشهای ترجمه مکرر به قلم آقای موقن* - را در اختیارم گذاشتند و از لحظه تصمیم در مورد نگارش این مقاله نقد گونه تا مراحل پایانی کار - بازخوانی و ارائه نظر و پیشنهادهای اصلاحی - همواره من را راهنمون بوده‌اند.

2- E.Cassirer: *The philosophy of Enlightenment* (translated by Fritz C.A Koellin and James P.Pettegrove) princeton U.P.1951.

- ارنست کاسیرر، *فلسفه روشن‌اندیشی*، ترجمه نجف دریابندری، (تهران، انتشارات خوارزمی، اسفند ۱۳۷۲).

توجه: تمامی جملات انگلیسی ذکر شده و نیز ترجمه آنها در این مقاله برگرفته از این دو چاپ می‌باشد که عیناً از مقاله آقای موقن به وام گرفته شده است.

* آنچه آقای همتی می‌گویند در ظاهر درست می‌نماید، اما اگر در معنی جمله دقت کنیم چنین نیست. یعنی *authority* (مرجعیت یا اقتدار) نمی‌تواند از آن "حراست از جامعه" باشد، مرجعیت یا اقتدار چیزی است که به دولت و قانون تعلق می‌گیرد که "حراست از جامعه" وظیفه آنهاست. پس در متن انگلیسی به‌ناچار مرجع *authority* باید دولت - قانون - باشد. شاید در ترجمه تکلیبی خطایی روی داده و به جای *its* باید *their* می‌بوده است. ع. ک.

3- E.Cassirer: *Die Philosophie der Aufklärung* (Tubingen, 1932) S.VIII.

- ارنست کاسیرر، *فلسفه روشنگری*، ترجمه عبدالله موقن (تهران، انتشارات نیلوفر، بهار ۱۳۷۰)
توجه: تمامی ترجمه‌های ارجاعی، از همین چاپ می‌باشد که عیناً از مقاله آقای موقن به وام گرفته شده است.

- | | |
|------------------------------------|-------------------------|
| 4- Non-identifying relative clause | 7- Main clause |
| 5- Syntactic parallel | 8- Identifying relative |
| 6- Argumentative | 9- Conclusion |

۱۰- موقن، عبدالله. "لغزشهای ترجمه مکرر". نگاه نو، شهریور - مرداد ۱۳۷۳، شماره ۲۱، صفحه ۱۶۷.

۱۱- همان ۱۰. صفحه ۱۶۸.

- | | |
|---------------------------------|-----------------------|
| 12- Semantic-syntactic parallel | 14- Semantic Parallel |
| 13- Connotation | |